

استانداردهای ایماندار ۱۶

غصه خوردن

خادم خدا فیروز خانجانی

کلیسای ایران

بازنگری شده - تابستان ۱۳۹۹

امروز قصد داریم متی باب ۶ آیات ۲۵ تا ۳۴ را بررسی کنیم.

طبق روال، ابتدا آیات را می‌خوانیم.

بنابراین به شما می‌گوییم، از بهر جان خود اندیشه مکنید که چه خورید یا چه آشامید و نه برای بدن خود که چه بپوشید. آیا جان، از خوراک و بدن از پوشاک بهتر نیست؟

مرغان هوا را نظر کنید که نه می‌کارند و نه می‌دروند و نه در انبارها ذخیره می‌کنند و پدر آسمانی شما آنها را می‌پروراند. آیا شما از آنها بمراتب بهتر نیستید؟

و کیست از شما که به تفکر بتواند ذراعی بر قامت خود افزایش دهد؟

و برای لباس چرا می‌اندیشید؟ در سوسن‌های چمن تأمل کنید، چگونه نمو می‌کنند! نه محنت می‌کشند و نه می‌ریسند!

لیکن به شما می‌گوییم سلیمان هم با همه‌ی جلال خود چون یکی از آنها آراسته نشد.

پس اگر خدا علف صحرا را که امروز هست و فردا در تنور افکنده می‌شود چنین بپوشاند، ای کم‌ایمانان آیا نه شما را از طریق اولی؟

پس اندیشه مکنید و مگویید چه بخوریم و یا چه بنوشیم یا چه بپوشیم.

زیرا که در طلب جمیع این چیزها امت‌ها می‌باشند. اما پدر آسمانی شما می‌داند که بدین همه چیز احتیاج دارید.

لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد.

پس در اندیشه‌ی فردا مباشید زیرا فردا اندیشه‌ی خود را خواهد کرد. بدی امروز برای امروز کافی است.

خدا به کلام خود برکت دهد.

در آیات به نگرانی‌ها و اندیشه‌های انسان اشاره شده است. در عصر حاضر موضوعات و مسائل بسیاری وجود دارد که باعث ایجاد نگرانی در انسان‌ها می‌شود و هر چه پیش می‌رویم بر تعداد آنها افزوده می‌گردد. مواردی نظیر حملات تروریستی، به نگرانی مردم در این زمینه دامن زده است تا جایی که بسیاری هنگام خروج از منزل به شدت مضطرب هستند. تا مدتی قبل اگر کيفتان را در یک فرودگاه جا می‌گذاشتید، همان جا نگهداری می‌شد تا وقتی که برای پس گرفتنش مراجعه کنید. اما امروز در زمان وقوع چنین پیشامدی نه تنها کيف شما در پرونده‌ای ثبت می‌شود بلکه در این خصوص مورد بازخواست نیز قرار خواهید گرفت! حوادثی که در ایالات متحده رخ داده بر حجم این نگرانی‌ها افزوده است.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که در آینده گازهای گلخانه‌ای افزایش خواهند یافت و بخشی از کره‌ی زمین نیز زیر آب فرو خواهد رفت. در فلان کشور جنگ‌زده مردمانی که از خانه‌های خود بیرون می‌روند، نسبت به بازگشت خود چندان مطمئن نیستند. با گسترش روند جهانی‌سازی، نگرانی‌های اجتماعی حتی در نقاطی که در امنیت کامل به سر می‌برند نیز گسترش یافته است. زیرا سرمایه‌داران عمده اقدام به انتقال کارخانجات خود به کشورهایی با نیروی کار ارزان نموده‌اند که پیامد این امر، ناامنی شغلی و به تبع آن دلهره و نگرانی می‌باشد. برادری می‌گفت در اروپا روزهای شنبه و یکشنبه بدترین روزهای هفته برای کارگران است، چون ممکن است در این دو روز توافقی بین کارخانه‌ها ایجاد شود و بر اساس آن بگویند که کارخانه به فلان کشور انتقال یافته و دیگر به شما نیازی نیست. این روزها حتی یک شخص اروپایی نیز امنیت شغلی ندارد و این وضعیت در مورد کشورهایی صادق است که فعالیت‌های صنعتیشان در حال انتقال به کشورهای فقیر می‌باشد. بحث ما راجع به کشورهایی که وضعیت انتقالی دارند، نیست. در چنین کشورهایی به خاطر عدم ثبات در ارزش نقدینگی، اضطراب و تشویش در بازار امری متداول است. در برخی کشورها ناامنی و اضطراب به حدی است که یک بیماری ساده باعث مرگ عده‌ی کثیری می‌شود. آمارها نشان می‌دهند که وضع فعلی دنیا نسبت

به گذشته چندان تغییری نکرده و بسا افرادی که حتی در حسرت دوران جنگ سرد به سر می‌برند زیرا در آن برهه به علت ترس از انقلاب کمونیستی در کشورهای پیشرفته، صاحبان سرمایه جرأت اخراج کارکنان خود را نداشتند. هرچه دنیا به پیش می‌رود بر تعداد مواردی که باعث ایجاد اضطراب و نگرانی می‌گردند نیز افزوده می‌شود.

در زمان مسیح نیز به دلیل ورود دنیا به سیری تحولی، موارد زیادی برای ایجاد نگرانی وجود داشت. علاوه بر دزدان، باجگیران نیز باعث دلهره‌ی مردم می‌شدند. اغلب کسانی که به سمت مسیح می‌رفتند افرادی متأثر از دردهای زندگی بودند. آنها در پی راهی برای التیام خود بودند. برخی وسوسه می‌شدند که از این طریق چیزی به دست آورند تا خلاءهای زندگی گذشته‌شان را پر کنند. مسیح در متی ۱۹:۶-۲۴ به طور خاص به این موضوع اشاره می‌کند. در این آیات بیشتر بر جنبه‌ی مالی قضیه تأکید شده است که این به خاطر اهمیت امنیت اقتصادی است، اما آیا همه چیز در امنیت اقتصادی خلاصه می‌شود؟ آیا نباید به دنبال توسعه‌ی ملکوت خدا در دنیا بود؟

عیسی مسیح در آیه‌ی ۲۵ می‌گوید: «بنابراین به شما می‌گویم، از بهر جان خود اندیشه مکنید که چه خورید یا چه آشامید و نه برای بدن خود که چه بپوشید. آیا جان، از خوراک و بدن از پوشاک بهتر نیست؟» خداوند می‌فرماید که برای خوراک و پوشاک نگران نباشید زیرا خوراک از جان و پوشاک از بدن افضل نیست. اگر هر یک از ما به حاکمیت خدا در زندگی خود ایمان داشته باشیم و یقین بدانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند، همه چیز برای خیریت ایشان است (رومیان ۸:۲۸)، پس دیگر نباید نگران و مضطرب شویم.

فعل به کار رفته در متن یونانی این آیات «merimnao - مریمنائو» مشتق از «مریزو - merizo» به معنای «تخریب شدن و پاره شدن» است. با تأمل در آیات ۱۹ الی ۲۴ و همچنین ۲۵ الی ۳۱ متوجه می‌شویم که چرا مسیح فرمود: «... محال است که خدا و مَموّنا را خدمت کنید» خداوند این مسئله را چنین ریشه‌یابی می‌کند که انسان به دلیل ترس و نگرانی از آینده‌ی

خود، کمر به خدمت مَموّنا می‌بندد! بسیاری به خاطر ترس از آینده، بیش از نیاز، ثروت‌اندوزی می‌کنند و این روند تا جایی در زندگیشان طی می‌شود که در ناخودآگاه، از رشته‌ی اتصال به خدا پاره و جدا می‌گردند. این وضعیت منجر به حضور مَموّنا در زندگی چنین اشخاصی می‌شود و دیدشان را نسبت به خدا کدر می‌سازد. با ایمان به خدا و تکیه بر مدد او می‌توانیم افکار خود را مدیریت کنیم و اجازه ندهیم که نگرانی‌ها و تنش‌های زندگی، ما را از هدف اصلی و غایمان منقطع و جدا کنند.

بارها شنیده‌اید که گناه یعنی نزدن به هدف و دور شدن از آن! لغت عبری «hattah-حتاه» و یونانی «هَمَرْتیا - hamartia» که در کتاب مقدس به کار رفته‌اند به خوبی این مفهوم را ترسیم می‌نمایند. روح‌القدس، نویسندگان کتاب مقدس را به صورتی کامل و همه‌جانبه، حتی در انتخاب واژگان هدایت کرده است. هنگامی که به خاطر وجود مسائل مختلف در اطراف خود، هدف زندگیمان کم رنگ شود، رفته رفته آن را گم خواهیم کرد. مسیح بر نکته‌ی مهمی دست می‌گذارد؛ خوراک و پوشاک! البته در زمان حاضر این مسئله را می‌توان به مواردی نظیر موفقیت در دانشگاه به هر قیمتی که شده، ازدواج، فلان پست و مقام اجتماعی و... تعمیم داد. اینها علایقی هستند که می‌توانند منجر به گسست و پاره شدن اتصال موجود بین ایماندار و خدا شوند. فراموش نکنیم که مسیح برای تشریح این عبارات از چه واژه‌ای استفاده کرد، پاره شدن و انقسام! در چنین حالتی از یک سو شاهد حضور خدا در زندگی فرد هستیم و از سویی دیگر ازدواج یا... را به عنوان تفکر اول و اربابی دیگر می‌یابیم.

مسیح در تشریح مثال چهار نوع زمین، از مشکلات و لذات دنیوی به عنوان خارهایی یاد می‌کند که باعث خفه شدن بذر می‌شوند، اما در موعظه‌ی سر کوه اغلب مخاطبان مسیح انسان‌هایی دردمند و رنجور بودند. بر مبنای این آیات می‌توان گفت که ثمره‌ی عشرت دنیا، جدا شدن از خداست. خداوند در این قسمت از تعلیم خود به ایمانداران حکمی می‌دهد تا آن

را نگاه دارند. «اندیشه مکنید» نگران نباشید! به خاطر مشکلات زندگی، خود را تکه تکه و منقسم نکنید!

برخلاف تفکر بعضی‌ها، خداوند مطلقاً از بی‌خیالی صحبت نمی‌کند. با نگاهی به رساله‌ی دوم تسالونیکیان متوجه می‌شویم که عده‌ای با درک نادرست این تعلیم، دست از کار کشیدند و به بهانه‌های مختلف از جمله مشارکت، به تنبلی و بیکارگی گرویدند. پولس رسول در کمال قدرت و اقتدار روحانی پیروان این تفکر را محکوم و ایمانداران را نصیحت می‌کند که به آرامی کار کرده، نان بازوی خود را بخورند. (دوم تسالونیکیان ۳: ۱۲). تدارک برای آینده، جزئی از زندگی ماست. مسیح نگفت بی‌خیال باشید و برای آینده‌ی خود و دیگران فکر نکنید. کلام خدا در امثال ۶: ۶-۱۱ در این خصوص می‌گوید: «ای شخص کاهل نزد مورچه برو، و در راه‌های او تأمل کن و حکمت را بیاموز که وی را پیشوایی نیست و نه سرور و نه حاکمی. اما خوراک خود را تابستان مهیا می‌سازد و آذوقه‌ی خویش را در موسم حصاد جمع می‌کند. ای کاهل، تا به چند خواهی خوابیدی و از خواب خود کی خواهی برخاست؟ اندکی خفت و اندکی خواب و اندکی بر هم نهادن دست‌ها به جهت خواب. پس فقر مثل راهزن بر تو خواهد آمد و نیازمندی بر تو مانند مرد مسلح.» در کلام خدا تناقضی وجود ندارد. ما باید به فکر آینده‌ی خود باشیم، لیکن این اندیشه‌ها نباید تا جایی در زندگیمان رخنه کنند که منجر به شکسته شدن و انقسام ما شوند. عنوان شد که متی برای ثبت سخن مسیح، تحت هدایت روح‌القدس، از واژه‌ی «پاره شدن» استفاده کرده است. در پی هر پاره شدن، فاصله‌ای ایجاد می‌شود. آیا معضلات زندگی، کار، ازدواج و... باعث می‌شوند که من و شما از خدا فاصله بگیریم؟ نگرانی‌ها چطور؟ آیا زندگی ما را پاره و منقسم می‌کند؟ اگر وارد مرحله‌ای شویم که کار و نگرانی از آینده به سوی ما حمله‌ور گردند، باید بیشتر از همیشه به هشداری که مسیح می‌دهد تأمل کنیم.

خداوند نخستین دلیل را برای نگران نبودن چنین بیان می‌کند: «...آیا جان، از خوراک و بدن از پوشاک بهتر نیست؟» آیا همین که هر روز صبح، سالم از خواب برمی‌خیزیم معجزه

نیست؟ پس خدایی که حیات و بدن را آفرید و هر روز آن را حفظ می‌کند، خود می‌داند که چگونه مایحتاج این بدن را تأمین نماید. رومیان ۸: ۳۲ را فراموش نکنیم: «او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود، چگونه با وی همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟» آمین. پولس برای بیان عمق موضوع مقیاس به مراتب بزرگتری را مطرح می‌کند و می‌گوید که چطور ممکن است خدایی که برای نجات انسان، پسر خود را داد، از دیگر نیازهای بشر آگاهی نداشته باشد و آنها را رفع نکند؟

نکته‌ی دوم را در آیه‌ی ۲۶ می‌خوانیم: «مرغان هوا را نظر کنید که نه می‌کارند و نه می‌دروند و نه در انبارها ذخیره می‌کنند و پدر آسمانی شما آنها را می‌پروراند. آیا شما از آنها بمراتب بهتر نیستید؟» انباشتن خوراک همواره مهم بوده و هست. خداوند مثال پرندگان را مطرح می‌کند که بدون کاشتن، درویدن و انبار کردن، خوراکشان را به دست می‌آورند. خدا برای تمام موجودات کوچک و بزرگ تدارک می‌بیند و مطمئناً با ایمان به این واقعیت دیگر جایی برای نگرانی نخواهد بود. اسب آبی، موجودی است که خود بعضی از اموراتش را می‌گذراند اما در انجام بعضی از کارها از دیگر جانوران کمک می‌گیرد. مثلاً پرندگان کوچکی هستند که دندان‌های اسب آبی را تمیز می‌کنند! کاری که این جانور عظیم‌الجثه قادر به انجام آن نیست. مورچه نیز در زمره‌ی چنین مخلوقاتی است. این موجود بسیار کوچک بدون اینکه فکر کند و مثل انسان دست به تحقیق بزند، از حشراتی که حتی از خودش هم کوچک‌تر هستند به عنوان گاو شیرده استفاده می‌کند. پس می‌بینیم که خدا به فکر همه چیز و همه کس هست.

سرخ‌پوست‌ها معتقدند: «وقتی که حیوانات می‌فهمند که ما به آنها نیاز داریم خود را فدا می‌کنند!» از این جهت بود که این مردمان هیچ‌گاه همچون دیگران وحشیانه به طبیعت حمله نکردند. آنها درک کرده بودند که اگر قانون طبیعت را رعایت نکنند، طبیعت نیز نیازشان را رفع خواهد کرد. خدا حتی راجع به جزئی‌ترین مسائل موجود در آفرینش نیز اندیشیده است. او پرندگان آسمان را طوری هدایت می‌کند که در زمستان و تابستان با تغییر مکان، خوراک مورد

نیاز خود را به دست آورند و نیازی به انبار کردن نداشته باشند. مسیح با بیان چنین نکاتی ایمانداران را به تفکر سوق می‌دهد. برادر برانهام می‌گفت: «طبیعت، اولین کتاب مقدس من بود.» چون در ابتدا نمی‌توانست کتاب مقدس بخواند. مسیح نیز با این جمله ایمانداران را به اندیشیدن در این کتاب مقدس (طبیعت) ارجاع می‌دهد: «مرغان هوا را نظر کنید که نه می‌کارند و نه می‌دروند و نه در انبارها ذخیره می‌کنند و پدر آسمانی شما آنها را می‌پروراند. آیا شما از آنها بمراتب بهتر نیستید؟» با مطالعه‌ی زندگی پرندگان متوجه می‌شویم که آنها برای به دست آوردن غذا بعضاً مسافتی را طی می‌کنند که حتی تصوّر پیمودن آن برای مردمانی که در زمان قدیم زندگی می‌کردند غیر قابل باور بود. پس باید توکل ما بر خدا افزون بر اینها باشد زیرا به عنوان انسان در نظر خدا ارزشی بیش از پرندگان داریم. به عنوان فرزندان خدا از تمام موجودات روی زمین ارزشمندتریم و بر این مبناست که باید توکلی ارزشمند بر خدا داشته باشیم.

در ادامه داریم: «و کیست از شما که به تفکر بتواند ذراعی بر قامت خود افزایش دهد؟» هیچ کس با تفکر و نگرانی در مورد آینده نمی‌تواند بر طول عمر خویش بیفزاید. وقتی انسان پا به سن می‌گذارد ناخودآگاه تصوّر مرگ نیز بیش از پیش وارد زندگی‌اش می‌گردد. مسیح خطاب به مردم گفت که مدیر زندگی شما خداست، پس نگران نباشید. دغدغه‌ها و نگرانی‌ها تنها به ایجاد فاصله بین ایماندار و خدا منتهی می‌شود. کسی نیست که بتواند با نگرانی زیاد نسبت به آینده، به عمر خود بیفزاید و نه فقط این کار را انجام نمی‌دهد بلکه با تحمل اضطراب فراوان حتی به مرگ زودرس دچار خواهد شد. در امثال آمده است که روحیه‌ی سالم، بیماری انسان را به بهبودی تبدیل می‌کند اما روحیه‌ی مریض را چگونه می‌توان درمان کرد؟ امروزه پزشکان دریافته‌اند که اضطراب و اصطلاحاً خودخوری، علت اصلی شکل‌گیری بسیاری از بیماری‌های قلبی، عصبی و... می‌باشد. پس با نگرانی در خصوص آینده نه تنها ساعتی بر عمر بشر افزوده نمی‌شود بلکه شاید سال‌ها از آن کاسته شود!

خداوند با همین منطق و استدلال چنین ادامه می‌دهد: «و برای لباس چرا می‌اندیشید؟ در سوسن‌های چمن تأمل کنید، چگونه نمو می‌کنند! نه محنت می‌کشند و نه می‌ریسند! لیکن به شما می‌گویم سلیمان هم با همه‌ی جلال خود چون یکی از آنها آراسته نشد. پس اگر خدا علف صحرا را که امروز هست و فردا در تنور افکنده می‌شود چنین بپوشاند، ای کم‌ایمانان آیا نه شما را از طریق اولی؟» عیسی مسیح موعظه‌ی پر بار خود را در یکی از زیباترین مناطق اسرائیل یعنی کنار دریاچه‌ی جلیل یا همان تیسریاد ایراد نمود. آن مکان از گل‌های زیبا و رنگارنگ پوشیده بود. احتمالاً فصل بهار و زمان رویش گل‌ها بود. مسیح فرمود، خدا این گیاهان بی‌ارزش را این قدر زیبا آراسته است و حتی سلیمان پادشاه هم لباسی به این زیبایی نپوشید. سلیمان بهترین خیاط‌ها را در زمان حکومت خود در اختیار داشت، ولی لباسی که خدا به قامت گل‌ها دوخته است، نظیر نداشته و ندارد. اما نکته‌ی مهم این است که چه بسا ایماندار مانند سلیمان به لباس‌های زیبا و فاخر ملبس نگردد، لیکن به خاطر ورود قدرت فیض به زندگی‌اش شکوهی به مراتب بیش از شکوه سلیمان را تجربه خواهد کرد. لغتی که در یونانی برای بیان فیض به کار رفته «خریس - kharis» و به معنای اولیه‌ی «زیبایی و جذابیت» است. شکوه، عزت و زیبایی فرزندان‌ی که حاکمیت پدر آسمانی را در زندگی خود پذیرفته‌اند بسیار بیشتر از شکوه سلیمان است. اگر ایماندارانی این فرّ و شکوه را تجربه نمی‌کنند به این دلیل است که مانع تجلّی همه‌جانبه‌ی فیض خدا در زندگی خود می‌شوند. نکته‌ی حائز اهمیت این است که حقیقتاً چه چیزی باعث می‌شود تا دنیا به سمت مسیح جذب شود؟ به قول اشعیا او را که نه صورتی بود و نه جمالی. یا یوحنا تعمیددهنده نیز لباسی چون سلیمان به تن نداشت که مردم فوج فوج به سمتش می‌رفتند. چیزی که خدا به یوحنا تعمیددهنده داده بود آن قدر ارزش داشت که مردم را به سوبش جذب می‌کرد. مسیح نیز این چنین در مرکز توجه بشریت جای گرفت. آیا ایمانداران نیز نباید به عوض جذابیت ظاهری، جاذبه‌ی فیض را در خود داشته باشند؟

نِرون، فرمانروای خونخوار روم، و همسرش گاهی چند ساعت در روز حمام شیر می‌گرفتند. از نفیس‌ترین عطرها استفاده می‌کردند و بهترین لباس‌ها را می‌پوشیدند اما امروز عملاً جایگاهی در زندگی مردم ندارند. پس ایمانداران باید اجازه دهند تا شکوه درونی‌ای که در مسیح وجود داشت، در زندگیشان عمل کند تا علاوه بر جذب جان‌ها به سمت خدا، از نگرانی‌ها نیز آزاد شوند. اگر زیبایی و جلالی که ایماندار در پی آن است با فیض عیسی همراه نباشد، موقتی و میرا خواهد بود.

در ادامه خداوند با بهره‌گیری از تمثیل‌های جسمانی، مطلبی روحانی را خاطرنشان می‌سازد: «پس اندیشه مکنید و مگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم یا چه بپوشیم. زیرا که در طلب جمیع این چیزها امت‌ها می‌باشند. اما پدر آسمانی شما می‌داند که بدین همه چیز احتیاج دارید. لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد.» نگرانی‌های مردم دنیا و دور از خدا، اغلب مسائلی همچون تحصیلات، ازدواج، ارتقاء شغلی، اخراج از محل کار و... می‌باشد. برای دنیای بی‌ایمان چنین نگرانی‌هایی از اهمیت بالایی برخوردار است. بی‌ایمانان، خدا را برای چنین دلهره‌هایی صدا می‌کنند، اما قبل از آن، همین پریشانی‌ها آنها را دو پاره می‌کند! مسیح، شاگردان خود را به سمتی هدایت می‌نماید که صدر اولویت‌های زندگیشان گسترش پادشاهی و ملکوت خدا باشد، آنگاه باقی نیازهایشان رفع خواهد گردید. اگر قصد نیل به هدفی را داریم باید از هر آنچه که ما را منقسم می‌کند فاصله بگیریم. نگرانی‌های گوناگون ایماندار را دودل و مردد می‌کنند و همین تردید باعث ایجاد شکاف و فاصله بین او و خدا می‌گردد. اولویت افکار یک ایماندار باید پادشاهی و ملکوت خدا باشد و فراموش نکنیم که این پادشاهی در اصل حاکمیت خدا بر تمام امورات زندگی فرد است، چه امور روحانی و چه امور جسمانی؛ این حاکمیت همانا انجام اراده‌ی خدا در زندگی ماست.

وقتی که حاکمیت خدا در زندگی ما برقرار شود، برای انجام اراده‌ی او قدرت خواهیم یافت. دردعای ربانی می‌خوانیم: «ملکوت تو بیاید. اراده‌ی تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده

شود.» بدین سان نخست ملکوت خدا وارد زندگی و اطراف ایمانداران شده، سپس اراده‌ی او از طریق ایشان به انجام می‌رسد. قسمتی از دعای ربانی ارتباط مستقیمی با زندگی فرزندان خدا دارد که پس از تحقق آن، اراده‌ی پدر توسط ایشان جاری خواهد شد. اگر خدا حاکم زندگی ما شود، پس دیگر: «... در اندیشه‌ی فردا مباشید زیرا فردا اندیشه‌ی خود را خواهد کرد. بدی امروز برای امروز کافی است.»

هیچ کس قادر به پیش‌بینی آینده نیست، زیرا هر روزی که آغاز می‌شود مسائل جدیدی را به همراه می‌آورد. کسانی که تصوّر می‌کردند با سقوط شوروی به امنیت خواهند رسید و حتی این اتفاق را جشن گرفتند، دیدند که هرگز چنین نشد. برنامه‌ریزی‌های مقامات آمریکا برای آینده کشورشان با وقوع طوفان‌های متوالی بر هم ریخت و باعث ایجاد نگرانی‌های جدیدی شد. شاید ساکنین آن کشور تا قبل از طوفان نگران ارتقاء شغلی یا ساخت خانه بودند، لیکن امروز نگران آن هستند که آیا از طوفان بعدی جان سالم به در خواهند برد یا نه؟! هر روز آبستن حوادث جدیدی است. در این بین نکته‌ی حائز اهمیت این است که ایمانداران کاملاً با خدا هماهنگ شده، با نگاه و تشخیصی صحیح به او و اعمالش بنگرند تا آنچه واقع می‌شود را به خوبی درک نمایند و در مسیری درست گام بردارند. آیا موضوع قبلی را به خاطر دارید؟ اگر چشم تو سالم باشد... ترجمه‌ی عبارت یونانی این بود: «اگر چشم تو سالم باشد، اگر چشم تو کامل باشد...» به همین نحو اگر دل ما نسبت به خدا کامل باشد و نور او وجودمان را روشن گرداند، قدرت خواهیم یافت تا در مواقع انتخاب، گزینه‌ی صحیح را برگزینیم. نوح به دلیل داشتن همین دید روشن بود که کشتی را ساخت، زیرا با تکیه بر نور خدا روشنایی را دید. اگر نگاهمان نسبت به خدا روشن و درست باشد، نسبت به زمان و مکان جایگاه خود نیز نگرشی صحیح خواهیم داشت. اگر ابراهیم نگران آینده‌ی خود بود دیگر نمی‌توانست از او راز خارج شود و ذریت او نیز در طوفان بزرگی که جنوب عراق و شهر سومر را درنوردید، از بین می‌رفت. از آنجایی که ابراهیم نگرش درستی داشت تصمیم درستی هم اتخاذ کرد. او با شجاعتی آسمانی

و فارغ از هرگونه نگرانی از مهد و مرکز تجارت در عصر خویش فاصله گرفت و به سوی آن نادیده، گام برداشت. آیا امروزه چنین جرأتی در میان فرزندان خدا وجود دارد تا بر اساس اراده‌ی پدر، از کار خود فاصله بگیرند؟

بعضی وقت‌ها مشکلات و مسائلی بسیار کوچک ایمانداران را به ترس و لرز می‌اندازد تا آنجا که حاضر نمی‌شوند خود را کاملاً در اختیار خداوند قرار دهند. در این خصوص شهامت افرادی چون ابراهیم و موسی مثال‌زدنی است. در آن زمان حتی شرایط پادشاهی بر مصر برای موسی مهیا بود، اما او توانست از آن قدرت عظیم و ثروت کلان دل بکند. چرا؟ چون طالب حاکمیت و پادشاهی خدا بود. فکر می‌کنید از میان جمعیت چند میلیاردی زمین چند نفر موقعیت به دست آوردن ریاست جمهوری آمریکا را دارند و در عین حال می‌توانند به خاطر انجام اراده‌ی خدا از آن چشم‌پوشی کنند؟ شاید با مشاهده‌ی آثار به جا مانده از آن پادشاهی بزرگ در مصر، با خود بگوییم: «تمدن زمان موسی از بین رفته است.» اما در عین حال در طول تاریخ میلیاردها نفر با مطالعه‌ی تورات بنا شده‌اند. آخرین سخنان موسی این بود که من تورات را به عنوان میراثی جاوید برای شما باقی خواهم گذاشت. موسی به دلیل انجام اراده‌ی خدا میلیاردها میلیارد ثروت را فدا کرد، لیکن متأسفانه امروز شاهد هستیم که بعضی از ایمانداران خدا را نه برای میلیاردها بلکه برای سی پاره نقره فدا می‌کنند. در کمال تأسف باید گفت که امروز برخی از لغزش‌ها در حد عیسو است، برای یک کاسه آش! به خاطر مدیرکل! برای ازدواج! شاید در دل خود بخندید، اما این مسئله واقعیت دارد.

وقتی خداوند بازگردد افرادی چون موسی علیه کسانی که مسیح را بارها و بارها برای یک کاسه آش فدا کرده و می‌کنند خواهند برخاست. کمی تأمل کنیم، ما از کدام گروه هستیم؟ آیا همچون موسی برای خدا قابل اعتمادیم یا مثل عیسو کاسه‌ای آش را به همه چیز حتی خدا ترجیح می‌دهیم؟ عیسو بخشیده نشد، چون مسیح را به کاسه‌ای آش فروخت، به سی پاره نقره، به تحصیل، به مدیرعامل! هرچند خدا وعده داده که همواره به فکر ما است لیکن نباید زندگی

افرادی نظیر پولس را فراموش کنیم که در راه انجام اراده‌ی خدا مشقات فراوانی همچون گرسنگی، طوفان‌زدگی و... را تحمل کرد. آیا اگر من و شما هم در شرایط پولس قرار بگیریم، مثل او رفتار می‌کنیم یا اینکه حاکمیت خدا بر زندگیمان را با علامت سؤال مواجه خواهیم ساخت؟ **خدا مدیر زندگی ایمانداران است.** او بدن را خلق کرده و حیات را نیز حفظ می‌کند. او هرگز از ما دور نیست تا با خود بگوییم که ما را فراموش کرده است. حال مایانی که ایمانداریم و به قول کلام افضل از پرندگان آسمان و گل‌های صحرا می‌باشیم چقدر بیشتر باید او را به خود نزدیک بدانیم. خدا هدیه‌ای را به ایمانداران بخشیده که حتی سلیمان هم آن را نیافت، یعنی قدرت فیض که سراسر زندگیمان را در بر می‌گیرد و می‌پوشاند؛ **به شرطی که در زندگی خود بر اساس اراده‌ی پدر آسمانی پیش رویم و با او همگام باشیم.** آمین.

چند لحظه دعا کنیم. ای خداوند خدای قدوس، اینک آموختیم که تو همواره به فکر ما هستی و وعده فرمودی که تا انقضای عالم همراه فرزندان خودخواهی بود. این وعده‌ی توست. تو بدن را آفریدی، حیات را آفریدی و مادامی که این مواهب را داریم می‌دانیم که تو در زندگیمان ساکن هستی. اینها حاکی از حضور تو در زندگی ماست، زیرا پولس می‌گوید: «ما در او حیات داریم.» اگر به اطراف خود نگاه کنیم موارد بی‌شماری را خواهیم یافت که بر عمل دستان تو شهادت می‌دهند. ای خداوند، عطا فرما تا باز هم از تو بیاموزیم و زندگیمان را بر اساس اراده‌ی تو اولویت‌بندی کنیم. این دعا را در نام عیسی مسیح طلبیدم. آمین.

و اینک در آنچه آموختیم تأمل کنیم...